



تدبیر امور بر محور ولایت حق
عدالت خواهی و حرکت در مسیر پیامبران خدا

دکتر رشید جعفر پور

پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مع علوم انسانی

تعریف اصول‌گرایی

اصول‌گرایی به معنای گرایش به ریشه‌ها و خاستگاه‌هاست. این مفهوم، تفاوت ماهوی با «بنیادگرایی» دارد. بنیادگرایی بازگشت به گذشته و توقف در آن است. در حالی که اصول‌گرایی، به مفهوم تأکید بر اصول اساسی با نگاه به آینده است. در اصول‌گرایی تلاش می‌شود از سنت‌ها و اصول بنیادین در جهت حل مسائل و مشکلات مدرن ساخته مدرنیته بشریت استفاده شود. در اصول‌گرایی اسلامی، اصول بنیادین از متن اسلام گرفته می‌شود و به دلیل اینکه اسلام دین تمام عصرها و دین مرفقی است و جامعیت آن از آدم تا خاتم است و منجی این دین، امام عصر(عج) نوید نجات بشریت را با ندای «حکومت مستضعفین» داده است، اصولی را در خود دارد که راهگشای حیات بشری از ظلمات اندیشه‌های لیبرالی و مارکسیستی است. تأکید بر مفاهیم اصولی در اسلام سابقه داشته است و خداوند دین اسلام را بر پنج اصل اساسی (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) استوار کرده است و نیز پیامبر اسلام در آخرین روزهای حیات پر برکتش، دو پایه و اساس برای «عدم تفرق و اتحاد» جامعه اسلامی با عنوان «ثقلین» بیان کردند. آن حضرت، قرآن و عترت را دو ثقل اساسی جامعه اسلامی دانسته است و تمسک به آن‌ها را مقدمه تداوم و بقای جامعه اسلامی می‌داند. روند اصول‌گرایی در آغاز و در طول انقلاب اسلامی نیز با هدایت و راهنمایی حضرت امام (ره)، با تکیه بر اصول اسلام ناب محمدی، باعث تکوین انقلاب اسلامی گردید. در طول این

سه دهه نیز، اندیشه اصول‌گرایی با تأکید بر مفاهیم بنیادین توانسته است مسیر اصلی انقلاب را همچنان طی کند و نشاط و شور انقلابی را در نسل‌های بعدی بدمد. در شرایط حاضر، خصوصیتی که پایه اصول‌گرایی را شکل می‌دهد، دو چیز است: یکی ایمان و باور به اسلام و به خصوص مکتب تشیع و اعتقاد به کارآمدی آن در میدان عمل و اداره زندگی اجتماعی بشر و دوم اعتقاد به تکامل و پیشرفت اجتماعی است. یعنی قاعدتاً اصول‌گرایی، ساختارگرای نیست، بلکه اعتقاد دارد که با اراده انسانی و با توکل به خداوند، می‌توان ساختارها را تغییر داد و حرکت‌های جهادی آفرید. همین اراده بود که انقلاب را شکل داد، هشت سال جنگ را اداره کرد و مراحل سخت پس از جنگ را به خوبی مدیریت کرد.

منابع اصول‌گرایی

عمده‌ترین منابعی که می‌توان اصول‌گرایی (به عنوان یک جریان اصیل) را از آنها استخراج کرد، عبارتند از:

۱. قرآن و سنت؛ در قرآن و سنت، مفاهیم اساسی اسلام اصیل آمده است که هر کدام از آنها می‌تواند به عنوان یک اصل اساسی برای اصول‌گرایی محسوب شود و راهگشای جریان اصول‌گرایی باشد.
۲. نهج‌البلاغه: نهج‌البلاغه به عنوان یک «منشور اصول‌گرایی» مملو از اصول است که به خصوص در ارتباط با تعامل حاکم و مردم می‌تواند بسیار آموزنده باشد. مولای متقیان با بیان جملات گهربار، جریان اصیل اصول‌گرایی را تا آخرالزمان مشخص کرده است تا زگی و طراوت آن سخنان رهگشا، کاملاً آشکار می‌شود.
۳. صحیفه امام (ره): سخنان و حیات پر برکت حضرت امام (ره)، که برگرفته و الهام گرفته از منابع اصیل اسلامی است، همیشه می‌تواند تعیین‌کننده خط سیر اصول‌گرایی باشد. آن حضرت با آگاهی و آشنایی به منابع اصیل اسلام و شناخت زمان حاضر، جملات و توصیه‌های پر معنی ارائه کرده‌اند که جهت آینده انقلاب را به خوبی می‌توان از آنها به خوبی درک کرد.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: ایشان با درایت حکیمانه‌ای که دارند و با آشنایی و احاطه‌ای که به منابع اصیل اسلامی دارند و نیز با آگاهی کاملی که نسبت به زمانه دارند، در هر شرایطی سخنانی در زمینه هدایت جریان انقلاب اسلامی می‌فرمایند که می‌تواند راهگشا و امیدبخش باشد.

سطوح اصول‌گرایی

معمولاً برای بررسی یک جریان یا یک اندیشه و یا یک مفهوم؛ به سطح مختلفی که آن جریان، اندیشه یا مفهوم می‌تواند داشته

باشد، می‌پردازند. اندیشمندان برای بررسی سطوح اصول‌گرایی، معتقدند که می‌توان آن را در سه سطح بررسی کرد و در هر سطحی نیز شاخصه‌هایی را برای آن در نظر می‌گیرند که عبارتند از: سطح نظام، سطح فرآیند، سطح سیاستگذاری. برای سطح نظام در اصول‌گرایی اسلامی؛ می‌توان شاخصه‌هایی از قبیل: اعتقاد و التزام به اسلام، ولایت‌محوری، جامعیت دین اسلام و کارآمدی آن به اعتقاد به جمهوریت نظام، مردم‌سالاری (مردم‌باوری) و ... را نام برد. برای سطح فرآیند؛ شاخصه‌هایی از قبیل: عدالت اجتماعی، جهاد علمی، شکوفایی اقتصادی، مهرورزی، خدمتگزاری و ... را نام برد و برای سطح سیاستگذاری؛ شاخصه‌هایی از قبیل: ارتباط با مردم، بومی‌سازی توسعه (مرکز‌گریزی)، محرومیت‌زدایی (توجه به مناطق محروم) و ... را نام برد. برای اینکه سطوح اصول‌گرایی به خوبی توضیح داده شود، به تبیین هر کدام از شاخصه‌ها می‌پردازیم:

الف) سطح نظام

۱) اعتقاد و التزام به اسلام: اصول‌گرایان به اسلام معتقد و ملتزم هستند و هویت خودشان را از اسلام می‌گیرند؛ هم به لحاظ اعتقادی به اسلام معتقد هستند و هم به لحاظ رفتاری. در هیچ حالی از اسلام رو بر نمی‌گردانند و سعی می‌کنند در رفتار و گفتار و عملکردهای خود، به اسلام پایبند باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود، به اسلام توجه ویژه دارند.

۲) ولایت‌محوری: اصول‌گرایان به ولایت مطلقه فقیه به عنوان یک اصل مترقی در اداره جامعه اسلامی، معتقد و پایبند هستند و از ولی فقیه زمان خود پیروی کامل می‌کنند. آنان تلاش می‌کنند که حول محور ولایت فقیه جمع شده و از دستورات او به عنوان یک عنصر اساسی و راهگشا متکی بر اجتهاد پویا و جوهری، تبعیت نمایند.

۳) اعتقاد به جامعیت دین اسلام و کارآمدی آن: اصول‌گرایان اعتقاد دارند که دین اسلام، دین کاملی است که به تمام ابعاد حیات ایشان توجه داشته و می‌تواند مشکلات جامعه بشری را بر اساس جامعیت خود حل کند. به نظر آنان، اسلام دین دنیا و آخرت و بعد مادی و معنوی زندگی انسان است و دانش بشری به تنهایی نمی‌تواند مشکلات انسان‌ها را حل کند.

۴) جمهوریت نظام: اصول‌گرایان معتقدند که این نظام متعلق به همه مردم ایران است و این نظام بر اساس آرای مردم شکل گرفته است و در نتیجه تلاش نظام این است که مشکلات همه مردم را

حل کند. در این نظام فرقی بین شهری و روستایی، فرقه‌ها، زبان‌ها، قومیت‌ها و ... نیست و همه در برابر قانون مساوی هستند و نظر و حق همه محفوظ و محترم است و به تعبیر امام (ره): میزان رأی ملت است.

۵) مردم‌باوری (مردم‌سالاری): اصول‌گرایان باور دارند که این ملت ایران است که توانسته جامعه را از دست طاغوت نجات دهد، این ملت ایران است که با هشت سال دفاع مقدس از مرز و بوم ایران دفاع کرده است، این ملت ایران است که با اراده توانسته در برابر تحریم‌های اقتصادی و ناتوی فرهنگی مقاومت کند و این ملت ایران است که توان هر تحوّل را دارد.

ب) سطح فرآیند

۱) عدالت: عدالت؛ محوری‌ترین شاخصه اصول‌گرایی است. عدالت تعاریف گوناگونی دارد و انواع مختلفی را شامل می‌شود. ساده‌ترین و در عین حال جامع‌ترین تعریف آن: اعطاء کل ذی حق حقه؛ دادن حق هر صاحب حقی است.

بر اساس این تعریف، هر کس که حقی دارد، باید حقتش به او داده شود. بر اساس این تعریف و تعبیر حضرت امام (ره) که «مستضعفین؛ ولی نعمتان این جامعه هستند»؛ باید توجه ویژه‌ای به فقیران و ضعیفان جامعه صورت گیرد. عدالت علاوه بر جنبه اقتصادی که مشهودتر است، جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... را نیز شامل می‌شود. اصول‌گرایان باید توجه داشته باشند که در همه زمینه‌ها عدالت برقرار کنند و حق همه افراد را در زمینه‌های مختلف به آنان بپردازند.

۲) جهاد علمی: شاخصه دیگر اصول‌گرایی جهاد علمی است. جهاد علمی با رشد علمی تفاوت دارد. رشد علمی یک روند تدریجی است که ممکن است در طی یک پروسه طولانی به ثمر برسد، اما اصول‌گرایی باید تلاش کند که با یک حرکت سریع و جهادی، در زمینه شکوفایی علمی جامعه گام بردارد. در این زمینه ایجاد بستر مناسب، تقویت روحیه جهادی، تشویق‌های مناسب دانشجویان و دانش‌پژوهان و ... الزامی است.

۳) شکوفایی اقتصادی: شاخصه دیگر اصول‌گرایی، شکوفایی اقتصادی است. اصول‌گرایان باید تلاش کنند که بر اساس مدل ایرانی - اسلامی توسعه، به شکوفایی اقتصادی ایران بپردازند. لذا ایجاد پژوهشکده‌های کاربردی، علمی، ارتقاء سطح کیفی دانشگاه‌ها، گسترش آموزش عالی و ... الزامی است.

۴) مهرورزی: ایجاد جامعه متحول و پویا، نیازمند محیطی صمیمی



و برنامه‌های پوششی بیشتری داشته باشند. اعطای سهام عدالت، یکی از همین راهکارهاست.

۴) سعه صدر و تحمل مخالف

۵) اجتناب از هواهای نفس

۶) شایسته‌سالاری

۷) نظارت بر عملکرد زیر مجموعه

۸) تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات

۹) قانون‌گرایی

۱۰) شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آن چه حق است.

البته علاوه بر موارد ذکر شده، ایشان به روح

اصول‌گرایی نیز توجه داشته‌اند که روح

اصول‌گرایی به تعبیر ایشان عبارتند از:

ارتباط با قرآن، نماز اول وقت، قرآن و

خواندن هر روز، توجه و ذکر و

استمداد از خداوند و متوسل

شدن در آن جاهایی که کار

مشکل می‌شود، آن جاهایی

که بار سنگین می‌شود و از

خدا طلب کمک کردن

هم وجود داشته باشد.

و آرام و بانشاط است. اصول‌گرایان معتقدند که باید با ایجاد فضای اخوت و دوستی که لازمه جامعه اسلامی است، به جوانان و مردم امید و نشاط داد و این ممکن نیست، مگر اینکه نهادهای فرهنگی جامعه از جمله مساجد، شهرداری‌ها، مطبوعات، رسانه ملی و ... به این مهم اهتمام ورزند و دولت نیز از این حرکت فرهنگی حمایت کند.

۵) خدمتگزاری: شاخصه بسیار مهم اصول‌گرایی، خدمتگزاری است. مسئولان اصول‌گرا، تصدی پست دولتی را چیزی جز خدمت به مردم و جامعه اسلامی نمی‌دانند. در این راستا، شبانه‌روز تلاش می‌کنند که به امور مردم رسیدگی کنند.

ج) سطح سیاستگذاری

۱) بومی‌سازی توسعه (مرکز‌گریزی): اصول‌گرایی چون معتقد است که همه ایران باید از یک سطح توسعه برخوردار باشد، لذا باید تمام مناطق توسعه یابند. در این راستا تلاش می‌گردد که در امر توسعه روند مرکز‌گریزی در پیش گرفته شود و با توجه به مناطق مختلف کشور، توسعه صورت گیرد و طرح آمایش سرزمینی، یکی از این برنامه‌هاست. انتقال بسیاری از کارخانجات و شرکت‌ها به شهرستان‌ها و احداث شرکت‌ها و کارخانجات در مناطق محروم، در این راستا صورت می‌گیرد.

۲) ارتباط با مردم: در حوزه رفتاری و ارتباطی، اصول‌گرایان معتقدند که نباید بین مردم و مسئولان فاصله بیفتد. باید بین مردم و مسئولان، تعامل مناسبی صورت گیرد و مسئولان از درد مردم مطلع شوند. سفرهای استانی به مناطق و شهرهای مختلف، علاوه بر توجه به توسعه و پیشرفت شهرستان‌ها، می‌تواند عامل مناسبی در تعامل رو در رو و بی‌واسطه مسئولان و مردم باشد.

۳) محرومیت‌زدایی (توجه به مناطق محروم): شاخصه مهم اصول‌گرایی، محرومیت‌زدایی است. از آنجایی که فقر و محرومیت خود می‌تواند عامل مهمی در انحراف و فساد اجتماعی باشد (من لا معاش له لامعاد له)، در نتیجه، ریشه‌کنی فقر و محرومیت، شاخص مهمی برای توسعه است. اصول‌گرایان باید تلاش کنند که با برنامه‌ریزی و تلاش مجدانه، از محرومیت بکاهند